



۱۸ تیر، یک تجربه

متنی که میخوانید، مبتی بر یک تجربه مستقیم از ۱۸ تیر است که توسط امید حدابخشی نوشته شده است. امید حدابخشی از فعالین اصلی ۱۸ تیر و جنبش دانشجویی است که به خارج کشور آمده است و در حال حاضر عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست است.

امید حدا بخشی

تظاهرات دانشجویان، جناحهای رژیم در حال باج گیری از هم و چانه زنی و تصمیم گیری در مورد چگونگی برخورد با دانشجویان بودند. از طرفی عمق فاجعه حمله به کوی دانشگاه تهران به حدی بود که قدرت رویارویی با دانشجویان و به طبع آن با مردم را نداشتند. رژیم به نوعی سردرگم و حیران بود. از همان ابتدا و از جمله روز جمعه ظهر، نیروهای دوم خردادی از ترس فراگیر شدن اعتراضات، به بهانه سخنرانی و همدردی وارد جمعهای دانشجویی شدند. دوخردادی ها دانشجویان را تشویق می کردند که بیرون نروند، در داخل دانشگاه تحصن کنند و به این ترتیب سعی میکردند دانشجویان را بنحوی آرام کنند. این اقدام ابتدا با فشار قشر غیر وابسته و هوشیار جنبش دانشجویی به شکست محکوم شد. اما در تمام طول روزهای تظاهرات و تحصن، اطلاعاتیه های انجمن های دانشکده های مختلف، نهضت آزادی و جنبش مسلمانان مبارز، دانشجویان را به راهلهای قانونی و مسالمت آمیز و تحصن در داخل دانشگاه تشویق میکردند. اینها حتی توصیه می کردند که

صفحه ۲

**خمینی رهبر
آدمکشان**

صفحه ۹

**به خاطر
قتل عام
شهریور ۶۷**

صفحه ۹

خاتمی و رویای «مردم سالاری دینی»

است. اینها نتیجه هزیمت دوخردایها و تحلیل رفتن نیروهایشان است. اما رویاهای خاتمی گویا تمامی ندارد. وی در جمع دانش آموزان دختر شرکت کننده در اردوی فرزندان کشور در تهران سخنانی ایراد کرد که اشاره به آنها گویای تناقضی فاحش بین سخنان خاتمی و خواسته های مردم معترض به نظام اسلامی می باشد. خاتمی در حالی که به «مردم سالاری دینی» به عنوان الگویی از نظام رو به دنیا» اشاره دارد. که این خود اسلام و قوانینش از طرف مردم در ایران به چالش افتاده است. مردم در ایران هیچ گاه از

صفحه ۳



سپار، کمپینها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی ویژه، و هر روش موثر دیگر، آگاهی علمی مردم به جنبه های مختلف رابطه جنسی و حقوق قانونی فرد در روابط جنسی را به سرعت و به وسیع ترین شکل گسترش دهد.

وسائل جلوگیری از حاملگی و بیماری های مقاربتی باید به رایگان و به سهولت در دسترس همه افراد بزرگسال قرار داشته باشد.

صفحه ۳



جمال کمانگر

بی شک اگر هر ناظر بی طرفی ریگی به کفش نداشته باشد، تحولات چند سال اخیر را مرور کند به روشنی در می یابد که خاتمی و اعوان و انصارش کشتی اصلاحات رژیمشان به گل نشسته است. و رویای، به قول خاتمی «تلفیق و تقویت ارزشهای دینی، اخلاقی و معنویشان» به کلی از طرف نسل سوم و گورکنان

چشم، گوش و فکر باز

رفتن رژیم اسلامی می تواند و باید یک دنیای بهتر را برای جوانان به همراه بیاورد. برخی از مطالبات برنامه حزب کمونیست کارگری ایران را بخوانید!

روابط جنسی

برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند.

سن قانونی بلوغ جنسی برای زن و مرد ۱۵ سال است. رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب میشود.

کلیه افراد بزرگسال اعم از زن و مرد، در تصمیم گیری در مورد روابط جنسی خود با سایر افراد بزرگسال کاملاً آزادند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال

با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

همه مردم و بویژه جوانان و نوجوانان باید زیر پوشش آموزش جنسی، آموزش روشهای کم خطر جلوگیری از حاملگی، و آموزش روشهای تضمین ایمنی رابطه جنسی قرار داشته باشند. آموزش جنسی باید جزو دروس اجباری دبیرستانها قرار بگیرد. دولت موظف است با تبلیغات، ایجاد کلینیکها و هیاتهای آموزشی

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۸
دانشجویان حرکت‌های داریکال و تهاجمی نکنند. بهر حال آن موقع حمایت مردمی از جنبش دانشجویی به حدی بود که قدرت ساکت نگه داشتن دانشجویان را نداشتند. هر روز دانشجویان پس از مدتی کلنجار رفتن با نیروهای دفتر تحکیم وحدت موفق می شدند که خود را به بیرون از دانشگاه برسانند. دانشجویان زنجیری که فعالین دفتر تحکیم وحدت با حلقه کردن دستهایشان به یکدیگر برای جلوگیری از خروج دانشجویان درست کرده بودند را با فشار از هم باز می کردند، قفل در دانشگاه را می شکستند و خود را به بیرون دانشگاه می رساندند. اما مسئله اینجا بود که با تشتت و

تفرقه‌ای که در بین دانشجویان مبارز وجود داشت در بیرون دانشگاه نمیتوانستند درست عمل کنند. نمی توانستند مردمی که برای حمایت آمده بودند را سازماندهی و هدایت کنند. خود نیز متفرق میشدند و سریع مورد حمله افراد انصار یا نیروهای انتظامی قرار میگرفتند و دوباره به داخل دانشگاه برمیگشتند و بعد از چند ساعت دوباره بدون هدف این کار را تکرار میکردند. این خود عاملی بود که می توانست دانشجویان و مردم را خسته کند. از طرف دیگر رژیم سیاست «خریدن وقت» را پیاده کرد و با دادن وعده محاکمه عاملین حمله به

گروهی بدون داشتن نیروی کافی برای اینکار حرکت کرد که در بیرون دانشگاه به دلیل همان عدم توان سازماندهی نتوانست به قدر کافی از مردم حمایت بگیرد و نتیجه آن شد که چند ساعت پس از حرکت در حوالی میدان ولی عصر تقریباً تارومار شد. نکته‌ای که در بالا مشهود است عدم سازماندهی و رهبری و توان عمل کردن نقشه‌ها است که همگی نشان از ضرورت وجود یک سازمان قوی کمونیستی را دارد که بتواند از طرفی تبلیغات منفی را دفع کند و از طرف دیگر با آژیتاسیون درست و صحیح نیروی کافی جمع کند و آن نیرو را هدایت و رهبری کند. مثال دیگری که میخوانید

کاری ساخته نیست و باید یک کمیته جدید از دانشجویان کار اعتراض را پیش ببرد. این پیشنهاد در یک رای گیری سریع به تصویب رسید. اما ناگهان در یک اقدام حساب شده و هماهنگ، تعدادی زیادی از فعالین دفتر تحکیم به داخل جمع آمده و شروع کردند به بحثهای آنچنانی در مورد اینکه متفرق نشویم و قانونی عمل کنیم. این بحث آنقدر ادامه یافت تا غروب همانروز نیروهای سرکوب به دانشگاه حمله کردند و آنقدر آن را گسترش دادند که آخربخش دانشجویان مجبور به ترک دانشگاه شدند. بالاخره کار به سرانجام رساندند اعتراض به شورای متحصنین که همان رهبران دفتر تحکیم بودند واگذار شد و

اهمیت شکستن فشار نیروهای سرکوب

طیف رادیکال در جنبش دانشجویی را پیدا کرده، تلاش کند که با آنها تماس بگیرد و فعالیت های آنها را هماهنگ کند. این میتواند قدمی بزرگ در جهت نزدیک شدن به اهداف بر حق دانشجویان آزادیخواه باشد. باید رهبران و فعالین جنبش دانشجویی با سازمان جوانان کمونیست مرتبط باشند و دانشگاهها را تبدیل به مراکز کمونیستی کنیم. در این صورت میتوان مبارزاتمان را متحدتر و قدرتمندتر پیش ببریم و پیروزی آترا تضمین کنیم.

علوم پزشکی)، یزد، لرستان (دانشکده علوم پزشکی)، همدان (دانشگاه بوعلی سینا) و... تظاهراتی در محکوم کردن حمله به کوی دانشگاه برگزار شد. اما رهبری این اعتراضات به طور کلی در دست دفاتر تحکیم و انجمنهای اسلامی بود. این اعتراضات عملاً بی‌حاصل مانده بود. فقط دانشگاه تبریز توانست حرکتی درست انجام دهد. اگر تمام دانشگاههای ایران میتوانستند همچون تهران و تبریز عمل کنند، رژیم قدرت سرکوب کمتری بدست میآورد. ولی از همه مهمتر این است که دانشجویان میبایست علاوه بر دانشگاهها



محللات مختلف شهر خود را وارد یک مبارزه همه جانبه با رژیم میکردند. مثلاً می شد در تهران با جمع کردن جوانان در محللات مختلف و گسترش دادن اعتراضات در نقاط مختلف شهر، از متمرکز شدن رژیم روی دانشگاه و اطراف آن جلوگیری کرد. من اینجا میتوانم بخاطر بیاورم که نیروهای انتظامی از تمام مناطق و ناحیههای تهران، نیرو به خیابان انقلاب اعزام کرده بودند و لباس شخصیها گله گله بر پشت وانتبارو یا اتوبوس های شرکت واحد به آنجا هجوم میآوردند. نکته کلیدی اینجاست که دانشجویان نمیتوانستند با فرستادن نمایندگان خود به کارخانههای مختلف کارگران را به حمایت از خود دعوت کنند.

عملاً هسته مبارزه از هم پاشید. این مورد بخصوصی نشان میدهد که چگونه رژیمها با به خاطر عدم وجود نیروی متشکل کمونیستی، چگونه نتوانستند شانسشان را استفاده کنند. اگر در آن مقطع یک نیروی دیگری وجود داشت که چشم انداز روشنی پیش روی دانشجویان قرار میداد و بادید باز آنان را هدایت میکرد، مطمئناً فضا طور دیگری میشد. افسوس که اغلب گروههای سیاسی فعال در ایران سر سپرده و سازشکارانند و عمرشان به عمر جمهوری اسلامی وابسته است. سازمان جوانان کمونیست نمیتوانست ظرفی باشد که دانشجویان در آن خواستههای رادیکال و حق طلبانه خود را دنبال کرده و درست و حساب شده عمل کنند. این سازمان باید

ضرورت متشکل شدن دانشجویان کمونیست و رادیکال را بهتر نشان میدهد. یکی از طرحهای دانشجویان مبارز و رادیکال این بود که یک کمیته دانشجویی که تحت نظر انجمنهای اسلامی نباشد، رهبری اعتراضات را بدست بگیرد. این بحث در تمام روزهای شنبه و یکشنبه ادامه داشت. بالاخره در روز دوشنبه وقتی که گروهی از اساتید دانشگاه در داخل نماز خانه دانشگاه تهران مشغول سخنرانیهای طولانی در مورد «سود آوری» ایجاد آرامش برای دانشجویان بودند، در حدود ساعت ۱۱ صبح، گروهی از دانشجویان در محوطه بیرونی نماز خانه یک پیشنهاد را به رای گذاشتند. و آن این بود که از دست نیروهای دفتر تحکیم

کوی دانشگاه سعی میکرد که جو را آرام کند و با دفتر تحکیم وحدت بر سر چگونگی پایان دادن به این اعتراضات وارد معامله شود. دانشجویان مبارز و رادیکال با گروههای وابسته به انجمنهای اسلامی و اتحادیههای دانشجویی که معتقد بودند نباید اعتراضات دانشجویی همه گیر شود، تضاد داشتند و بین شان کشمکش دائمی وجود داشت. این باعث متفعل شدن قشر زیادی از دانشجویان شده بود. دانشجویان برای خود یک هدف مشخص در نظر گرفته بودند و قرار گذاشته بودند که ساختمان صدا و سیما را تصرف کنند. این هدف آنچنان با تبلیغات منفی فعالین دفتر تحکیم وحدت مواجه شد، که تقریباً بسیاری از همراهی با این حرکت سرباز زدند. سرانجام

زندگی مشترک، خانواده، ازدواج و طلاق

حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک (ازدواج) و جدایی (طلاق).

برای رسمیت یافتن زندگی مشترک از نظر دولت و شمول قوانین مربوط به خانواده به آن در صورت تمایل طرفین، ثبت آن در دفاتر دولتی کافی است. زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. ممنوعیت ایراد هر نوع خطبه مذهبی در مراسم دولتی ثبت ازدواج. اجرا یا عدم اجرای مراسم خاص، اعم از شرعی و عرفی، برای ازدواج نقشی در رسمیت آن و مقام آن در برابر قانون ندارد.

ممنوعیت هر نوع معامله‌گری در ازدواج نظیر تعیین شیربها، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط ازدواج.

ممنوعیت تعدد زوجات و صیغه. برابری کلیه حقوق زن و مرد در خانواده در امر انتخاب محل زندگی، امور مربوط به سرپرستی و تربیت فرزندان، تصمیم‌گیری در مورد دارایی‌ها و اقتصاد خانواده و کلیه امور مربوط به زندگی مشترک. لغو موقعیت ویژه مرد بعنوان سرپرست خانواده در کلیه قوانین و مقررات و انتقال حقوق مربوط به سرپرستی امور خانواده به یکسان به زن و مرد.

حمايت مادی و معنوی دولت از خانواده های تک والدي و بويژه حمايت فعال از مادرائي که جدا شده‌اند و يا اصولاً بدون ازدواج صاحب فرزند شده‌اند، در برابر فشارهای مادی و اخلاقیات ارتجاعی.

لغو کلیه قوانین و مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکنند.

از: «یک دنیای بهتر»، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

از سایت سازمان جوانان دیدن کنید

www.jawanan.org

از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane@yahoo

گرامیداشت منصور حکمت گرامیداشت بشریت معاصر است

حمله به نیروهای سرکوب

تجربه نشان داده که هر وقت وضع جامعه به سمت اعتراضات رادیکال و مردمی می‌رود، فضایی برای اعتراض آزادانه بوجود می‌آید. اولین نقاطی که مورد حمله واقع میشوند، مساجد است. در وقایع کوی دانشگاه از روز ۱۹ تا ۲۴ تیر دست کم هفت مسجد در مناطق مختلف، بخصوص جنوب شهر و بازار تهران، مورد حمله مردم قرار گرفت. در همان حال همه ما میدانستیم که چندین اتوبوس از شهرستانهای مختلف، نیروهای سپاه و بسیج را در سه مسجد بزرگ اطراف دانشگاه مستقر کرده بودند و رژیم مشغول سازماندهی آنها بود. بالاخره روز دوشنبه از ساعت ۴ و نیم بعد از ظهر، نیروی سرکوب خود را بطور کامل نشان داد.

بهترین حرکت، برخلاف آنچه که انجمنهای اسلامی و روزنامه‌های دوم خردادی تبلیغ میکردند، حمله به این مراکز رژیم بود. کاری که مردم عادی کردند. اما دانشجویان تحت عنوان «عدم خشونت» و حمله نکردن به مقدسات مردم انجام ندادند. اینجا هم جای سازمان جوانان کمونیست خالی بود.

توهم نداشتن به هیچ نیروی داخل رژیم

مهمترین درسهایی که میتوان از وقایع ۱۸ تیر گرفت این است که دانشجویان به هیچ عنوان نباید به گروههای وابسته به رژیم، دفتر تحکیم وحدت از دوم خرداد گرفته تا طبرزدی و نهضت‌آزادی، اعتماد کنند. پیروزی فقط در سازماندهی و همراهی با نیرویی است که میخواهد رژیم را سرنگون کند. در سال ۱۳۷۸ در بین دانشجویان

توهمات بسیاری وجود داشت و بزرگترین مشکل جنبش دانشجویی در آن زمان، تکیه کردن به خاتمی و دوم خرداد بعنوان روزنمای به طرف آزادی نگاه میکردند و به همین دلیل بود که در وقایع ۱۸ تیر دفتر تحکیم و روزنامه‌های دوم خردادی هر از چند گاهی هشدار میدادند که اگر دامنه اعتراضات فراتر رود، دولت خاتمی سقوط میکند. و این ترغندی بود برای کنترل دانشجویان. اما در بیرون از دانشگاه وضع این چنین نبود و خیلی از جوانان و مردم بدون هیچ توهی به جناحهای رژیم وارد صحنه مبارزه شده بودند. اگر جنبش دانشجویی آن زمان متوهم نبود میتوانست شیپور سرنگونی یکی از خونخوارترین رژیمهای اسلامی را سر دهد.

مردم است. این تلاشهای مذبوحانه برای بقاء، با شکست قطعی روبرو خواهد شد. راهی جز تسلیم و شکست در مقابل خواسته های نسل جوان ندارند.

جوانان در ایران خواستار آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده، رفاه همگانی، ایجاد فرصتهای برابر تحصیلی، و مهمتر از همه برداشتن قوانین اسلامی در جامعه هستند. جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. خصوصی کردن مذهب و کوتاه کردن دست گله آخوند و شیخ از اموال مردم و مصادره اموال به غارت رفته بیت المال نه تنها خواسته جوانان است بلکه آرزوی تمام مردم در رژیم اسلامی است. اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زنان و مردان، لغو مجازات اعدام، سر خط خواسته هایی است که جوانان امروز در ایران برای آن مبارزه می کنند. امروز دیگر روز انتخاب است. باید به پرچمدار جنبش سرنگونی طلبی حزب کمونیست کارگری پیوست که به روشنی در برنامه «یک دنیای بهتر» نه تنها این خواسته ها را قید کرده است بلکه تلاش می کند که متضمن جامعه ای آزاد، برابر و مرفه باشد.

خاتمی روز ۱۱ آگوست در روزانه به عناوین مختلف زنان را تحت ستم قرار می دهد. خاتمی و رژیم اسلامی اش مورد نفرت

و شادی زدایی در سطح جامعه و سرکوب خواسته های جوانان بوده است. در کشوری که «نیاز به ایجاد سالانه یک میلیون فرصت شغلی برای نسل جوان دارد» نمی توان با «ارائه موفق الگوی مردم سالاری دینی» مد نظر خاتمی آن را رفع و بر طرف کرد. رژیمی که از سازمان دادن یک سیستم اقتصادی عاجز و ناتوان است و از بالا تا پایین دولتش با بحران و درگیریهای جناحی و دعوا برای بقای نظامش روبرو است، نمی تواند با حرف

و وعده و وعید مشکلات مردم و به خصوص جوانان را حل کند. مردم فقط یک جناح رژیم اسلامی و بخشی از لاشه پوسیده اش را به مصاف نطلبیده اند؛ بلکه قوانین اسلامیش، دادگاهش، نظام آموزشیش، فرهنگش و سنن و عقاید عهد عتیقش به مصاف طلبیده شده است. دوران کلی گویی های خاتمی به سر آمده است. جوانان نمی خواهند بیش از این از ابتدای ترین خواسته های دوران جوانیشان محروم باشند.

خاتمی در میان دختران سخن می گفت و از مزایای الگوی اسلامیش داد سخن سر داد. در حالی که قوانین ضد زن اسلامی روزانه به عناوین مختلف زنان را تحت ستم قرار می دهد. خاتمی و رژیم اسلامی اش مورد نفرت

خاتمی و ۰۰۰ از صفحه ۸

اینکه اسلام و مردم سالاری اسلامی کنار گذاشته شود به این نتیجه نمی رسند، که گویا باید در جهت ممانعت از تحقق اهداف انقلاب که ضد انقلاب اسلامی آنرا با کمک دول غرب و با سرکوب خونین از مردم دزدید، حرکت کرد. انقلاب ۵۷ انقلابی بود برای رفاه، آزادی و برابری و امروز خواسته های مردم درست در جهت همان خواسته ها و به مراتب روشنتر و رادیکال تر است.

خاتمی خود اذعان می کند که وضعیت کشور در چه حالت بحرانی قرار دارد. مردم دیگر دنبال وعده های خاتمی و جریان اسلامی حاکم در ایران نمی روند. مردم دیگر نه وقتش را و نه حوصله شنیدن یاد آوری مشکلات کشور را دارند. آن طوری که خاتمی اشاره کرد: «کشور اینک در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخی خود بسر می برد در حال حاضر اختلافها، درگیریها و دعوای فراوانی است که بسیاری از انرژی ها را تلف می کند. فشار مردم معترض و به خصوص نسل جوان این اختلافات و دعوای را صد چندان می کند. نه آن طور که خاتمی آن را «نتیجه سوءتفاهم» می داند. معنی ندارد که جوانان دختر و پسر در ایران بیش از این تحمل سیستم اسلامی را داشته باشند. که در طول تاریخ حیاتش یکی از ارکان اصلیش ضدیت با جوانان

به خاطر قتل عام شهریور ۶۷

زندانیان سیاسی در شهریور ۱۳۶۷ که با هدف حفظ نظام اسلامی صورت گرفت، همه مسئولان و مزدوران رژیم از همه جناحهای آن شریک بوده اند، تماما عریان و غیرقابل کتمان است. تلاش گروههای معینی از "پوزیسیون" برای معاف کردن بخشی از این جانینان و تخفیف نقش جناحی از رژیم در این جنایت هولناک، رذالتی نابخشودنی است که انگیزه و انجامش جز خدمت به تداوم عمر جمهوری اسلامی نیست. بر خلاف این تلاش رذیلتانه، پاسخ تاریخی مردم آزادیخواه به این کشتار وحشیانه و به دو دهه توحش اسلامی، کوشش و مبارزه خستگی ناپذیر برای به گور سپردن کلیت این نظام منفرود است. دیر نیست روزی که سران حکومت اسلامی را در دادگاهی عادلانه به پای میز محاکمه خواهیم کشاند.

یاد همه این مبارزان و همه جانباختگان راه آزادی را با تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی گرامی میداریم.

به اجرای نقشه هولناکشان علیه بیدفاع ترین بخش جامعه، علیه جان مبارزان دربند زدند. قتل عام همزمان هزاران زندانی سیاسی، آن وسیله اربابی بود که جانینان اسلامی برای حفظ نظام سراپا خیانت و جنایت خود برگزیدند.

قتل عام هزاران زندانی سیاسی در شهریور ۱۳۶۷ نماد برجسته ای از ماهیت آدمکش حکومت اسلام و نمونه عریانی از جنایت علیه بشریت در دوران معاصر است. جنایتی با این ابعاد هولناک، به تنهایی برای سپردن همه سران و دست اندر کاران جمهوری اسلامی به دادگاه جنایتکاران علیه بشریت کافی است. در انظار دهها میلیون مردم ایران و صدها میلیون مردم آزادیخواه در سراسر جهان، همه مهره های اصلی رژیم از خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی تا کربوی و جنتی و اشراقی و نبیری، همقطاران لاجوردی و سایر طراحان و مجریان این نظام سراپا جنایت، در برابر این هولاکاست اسلامی مسئول اند.

این حقیقت که در کشتار اسلامی

باز: اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

تابستان ۱۳۶۷ هنگامیکه خمینی سرکرده جانینان اسلامی بخاطر "حفظ نظام" ناچار به نوشیدن جام زهر و دست کشیدن از ادامه جنگ ارتجاعی با عراق شد، به روشنی میدانست که با کنار رفتن چتر اختناق جنگ، کارگران و مردم زجر دیده و مصیبت کشیده دست به مبارزه برای مطالبات فرورفته خود خواهند زد. ایجاد فضایی از ارباب گسترده بجای فضای اختناق جنگی و سرکوب اعتراض اجتماعی به هر قیمت، رکن اصلی مانور سران رژیم برای حفظ نظام بعد از قبول آتش بس بود. رژیم فی الحال لوله همه سلاحهایش را به روی مردم گرفته بود. موسوی اردبیلی رئیس وقت "قوه قضائیه" در اولین نماز جمعه بعد از ختم جنگ کارگران را تهدید کرد که: "خیال نکنید جنگ تمام شده، شکم سیر و چهل ساعت کار بخواهید!" اما این جانینان میدانستند که چنین تهدیداتی کارساز نیست، بلافاصله دست

کودکان اول، چرا و چگونه؟

اول کودکان برگزار می کند

گفتار انسی در مورد

آزادی و آینده کودکان!

تم های مورد بحث:

- * آینده و آزادی کودک
- * منفعت کودک و مذهب
- * منفعت کودک و جنسیت
- * فقر و کودکان
- * خشونت و کودکان

زمان: ۲ و ۸ سپتامبر

مکان: سوئد، استکهلم

برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر در مورد برنامه های کنفرانس میتوانید با آدرس و شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

childrenfirst@pathcom.com

Tel: 1-416-434-1545

Fax: 1-781-735-8359

Tel: +46 (070)6785183

Fax: +46 (070)6199054

اروپا:

اول کودکان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان

Children First, International Campaign for Children's Rights

خمینی رهبر آدمکشان

است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نماید. آقایانی که تشخص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند "اشداء علی الکفار" باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا میباشد. والسلام روح الله خمینی»

اشراقی و نماینده ای از وزارت اطلاعات میباشد اگر چه احتیاط در اجماع است. و همینطور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارتات اطلاعات لازم الاتباع میباشد. رحم بر محاربین ساده اندیشی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی

به ارتباط آنان با استکبار جهانی و خدمات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و میکنند محارب و محکوم به اعدام میباشدند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت الاسلام نبیری دامت افاضاته و جناب آقای

سندی از خمینی بسم الله الرحمن الرحيم «از آنجا که متافقین خائن به هیچوجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه میگویند از روی حيله و نفاق آنها است و به اقرار سران علیه ملت مسلمان ما و با توجه

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045-51802610

0044 776 110 66 83

00491711547661

0046 70 48 68 647

001 416 69 80 358

0049 172 2957603

0049 174 944 02 01

شیوا فرهنگند

سرور ملانکه

امید چوری

مریم طاهری

مهدی شهابی

دبیر کمیته مرکزی بهرام مدرسی

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

کانادا:

ترکیه:

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com از این سایت ها دیدن کنید:

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

shahabi_99@yahoo.com

Tal: 001-416-434-1545

Fax: 001-781-735-8359

E-Mail: shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin/

Germany